

مقصر نابسامانی‌های اقتصاد کیست؟

مسأله اقتصاد ایران و نابسامانی های آن مقوله ای نیست که تنها مرتبط به ۷ سال ریاست جمهوری روحانی باشد. هم‌اکنون اقتصاد ما با معضلات و چالش‌های عمیقی روبه‌روست که منشأ ساختاری دارد هنوز در ادبیات اقتصادی ساختار اقتصادی دولتی سیاسی رانته کشور ما تعریف نشده و مبانی آن مشخص نشده. مقوله اقتصاد قرن هاست که

توجه اندیشمندان و اقتصاددانان و فلاسفه را بخود جلب کرده، که ثمره پژوهش‌ها و مطالعات آنان منجر به تأسیس ساختارهای متعدد اقتصادی با هدف تأمین مالی و رفاه اقتصادی و اجتماعی شهروندان بوده است.

گرچه این ساختارها به لحاظ مبانی نظری با یکدیگر زاویه‌مند بودند اما همه تأمین اهداف فوق را در هدف داشتند. برخی از مکاتب اقتصادی طی زمان به سبب ضعف مبانی نظری یا انحراف از اصول آن توسط سیاستگذاران و مصادره اقتصاد به نفع خود به تاریخ پیوستند اما امروز ساختار اقتصادی سوسیال دموکراسی و اقتصاد آزاد سرمایه‌داری رقابتی بازار محور بیش از مکاتب اقتصادی دیگر در جهان جا باز کرده و بسیاری از کشورها براساس آنها اقتصاد خود را مدیریت می‌کنند. اقتصادهای کره شمالی و کوبا و امانتالهم این کشورها را به اضمحلال اقتصادی و انزوای سیاسی فرو برده. اما اقتصاد چین که پس از فروپاشی نظام سیاسی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که ریشه های اقتصادی داشت با درایت و آینده‌نگری سیاستگذاران از ساختار نظام سیاسی کمونیستی فاصله گرفت و به شناسایی مالکیت خصوصی و صیانت از آن و اقتصاد آزاد رقابتی روی آورد به‌طوری که در حال حاضر به دومین قدرت بزرگ اقتصادی جهان تبدیل شده است. در حالی که ما هنوز از یک نظام اقتصادی منسجمی که مبتنی بر اصول والزامات علم اقتصاد باشد برخوردار نیستیم و تصمیمات سیاستگذاران تابع سلیاق شخصی و حفظ منافع گروهی و جناحی اتخاذ می‌شود.

زمانی که دولت دهم و یازدهم تشکیل شد، اقتصاد ایران مشکلات بسیاری داشت که با تشدید تحریم‌ها این معضلات بیشتر شد. البته نمی‌توان تمام گناه را متوجه تحریم‌ها نمود چرا که ساختار اقتصاد ایران از ابتدا منسجم و بر مبنای اصول علم اقتصاد و الزامات آن بی‌ریزی نشده بود. دراین میان وجود فساد گسترده و نهادینه شده یکی از محصولات ساختار معیوب اقتصاد ایران است که چیزی جز فقر وفاقه و گسترش فاصله بین فقر و غنا تنزل ارزش پول ملی و به تبع کاهش قدرت خرید و کوچک شدن هر چه بیشتر سبد معیشتی کثیری از خانوارها و تضعیف بخش خصوصی واقعی که در کشورها توسعه یافته موتور محرکه توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغالند نداشتند است.

در واقع ثروت در کشور ما از بین نرفته بلکه این ثروت جابه‌جا شده است و بواسطه عدم تخصیص راستین منابع و فساد به‌دست عده‌ای خاص افتاده که به سبب درهم تنیدگی و گره‌خوردگی اقتصاد با سیاست، دولت‌ها خواسته یا ناخواسته نظارت بر آن اعمال نمی‌کنند. حتی دیوان محاسبات عمومی و سازمان بازرسی کشور به‌عنوان بازوهای مهم نظارتی مجلس نیز در این خصوص ناکارآمدند. این که اقتصاد ایران دارای مشکلات بسیاری است، هیچ شکی وجود ندارد، ولی نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، تأثیر دیپلماسی خارجی کشور است که باعث بروز شدیدترین تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی برای کشور شده است. از سال ۱۳۹۱ که تحریم‌ها علیه ایران تشدید شد اقتصاد ایران فلج شد، اقتصادی که از درون با معضلات ساختاری مواجه است. و وقتی با محدودیت‌های تحریم هم مواجه شد و به شکل یک جزیره منزوی در اقتصاد جهانی درآمد این مشکلات دو چندان شده است.

در شرایط فعلی اقتصاد ایران کمترین مرادوات با اقتصاد جهانی را داراست که این موضوع باعث شده است تا تجارت خارجی به شدت تنزل کرده و مازاد تجاری منفی را نیز ببار آورد. از دیگر مشکلات ساختاری مهمی که اقتصاد ایران با آن دست به گریبان است، توزیع ناعادلانه منابع است که نموده‌ای آن را می‌توان در بودجه‌های سنواتی مشاهده کرد. در طرف مصارف بودجه برخی نهادها و بخش‌ها از بودجه عمومی استفاده می‌کنند که هیچ نقشی در رشد و توسعه کشور ندارند. که بخش مهمی از کسر بودجه‌ها ناشی از اختصاص منابع به همین ردیف هاست.

درچنین شرایطی مجلس یازدهم که از اکثریت جریان اولگرا تشکیل شده و یکدست است و اختلافات بنیادینی با دولت دوازدهم دارد، مشکلاتی که همه از آن آگاه هستند را لیست کرده است. مشکلاتی مانند کاهش نرخ رشد تولیدخالص داخلی، تورم بالا، فاصله طبقاتی زیاد، کاهش ارزش پول ملی، بیکاری، فقر، فساد و... که اکنون خیلی ساده می‌توان این مشکلات را برشمرد و از دولت خرده گرفت و آن را مسئول تمام این مشکلات دانست. انکار که بانی همه معضلات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی این دولت بوده و وارث اقتصادی شکوفا بوده که آن را به نابودی کشانده. اما واقعیتی این است که درساختار اقتصادی ایران که یک ساختار دولتی و سیاسی است نمی‌توان انتظار تغییرات بنیادین داشت. وقتی بخش عمده اقتصاد ایران در دست بخش عمومی و دولت قرار دارد و بخش خصوصی در حال تضعیف است و روز به روز کوچک‌تر می‌شود نمی‌توان هیچ استراتژی موثری را پی گرفت. دراین شرایط مجلس یازدهم از دولت اتیبراد می‌گیرد این در حالی است که نمایندگان مجلس باید در ابتدا درخصوص سیاست اقتصادی کشور و مشکلاتی که این ساختار به وجود آورده است تفکر و تأمل کنند. این سیاست‌ها نمی‌توانند متضمن رشد و اشتغال و رفاه باشد. در دوره دولت‌های نهم و دهم به‌دلیل دیپلماسی خارجی دولت، شدیدترین تحریم‌ها علیه اقتصاد ایران وضع و اجرا شد و قطعنامه‌های متعددی علیه کشورما صادر گردید هم‌اکنون اقتصاد ایران با تحریم‌های دولت امریکا و گنگره امریکا روبه‌روست. این درحالی است که اخیرا شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز قطعنامه علیه ایران صادر نموده. از سوی دیگر شیوع ویروس کرونا نیز خسارات سنگینی به کسب و کارها و اقتصاد ایران وارد کرده است.

در یکسال باقی مانده از دوره کاری دولت دوازدهم چگونه می‌توان با توجه به ساختار فشل اقتصاد ایران شرایط را تغییر داد. در شرایطی که تحریم‌ها در حال تشدید است و پیش بینی‌ها حاکی است که درآمد نفتی ما با دور زدن تحریم‌ها به حدود ۲ میلیارد دلار تقلیل می‌یابد، تغییر سیاست‌های دولت چگونه امکانپذیر است.

هرگونه تغییر در سیاست‌های دولت باید همراه با تغییر ساختارهای حاکم بر اقتصاد سیاسی باشد. اگر نمایندگان مجلس دنبال تغییر هستند باید در ابتدا دنبال تغییر اندیشه سیاستمداران باشند که اقتصاد دولتی را دنبال می‌کنند. اقتصاد در شرایطی رشد می‌کند که اقتصاد آزاد رقابتی بازار محور و دوری از انحصارات دولتی و ریشه کن کردن فساد سیستماتیک حاکم گردد.

آیا اولگرایان حاضرند که ساختار اقتصاد ایران را تغییر دهند، ساختاری که منابع را به نفع عده‌ای خاص توزیع می‌کند؟ مطمئنا با تغییر مدیران چرخشی جناحی و اغلب ناآگاه و فاقد قدرت و بینش پیش بینی که یکی از اصول مهم مدیریت است نمی‌توان اقتصاد کشور را بسانان کرد نمایندگان مجلس لازم است فارغ از هرگونه تمایلات سیاسی به فکر نجات اقتصاد کشور از طریق تغییرات بنیادین ساختاری در اقتصاد و تحول در روابط دیپلماتیک برین مرز و استقرار روابط دوستانه با کشورهای جهان و ورود به بازارهای جهانی و گسترش تجارت خارجی باشند تا در عرصه تجارت رقابتی جهان توفیق حاصل کرده و به مازاد تراز تجاری بدون نفت و به اصول علمی و الزامات یک ساختار اقتصاد آزاد بازار محور وفادار و پایبند دست یابیم.

■ دوشنبه ۹ تیر ۱۳۹۹
■ سال بیست و ششم
■ شماره ۷۳۸۰

آیا راه حل عملی برای خروج از دلاریزه شدن اقتصاد وجود دارد؟

مصایب یک اقتصاد دلاری

منصور بیطرف
دبیر گروه اقتصادی



گواهی سپرده یورویی روی میز شورای پول و اعتبار

رئیس کل بانک مرکزی در یادداشتی از تأثیر افزایش نرخ سود سپرده بانک‌ها نزد بانک مرکزی گفت و از ارائه طرح گواهی سپرده یورویی به شورای پول و اعتبار توسط این بانک خبر داد. به‌گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، عبدالناصر همتی در اینستاگرام خود نوشت:

۱- در راستای چارچوب فعلی سیاستگذاری پولی و اجرای عملیات بازار باز و به منظور مدیریت نقدینگی و هدایت تورم به سمت هدف ۲۲ درصدی، بانک مرکزی بزودی طرح گواهی سپرده یورویی را به شورای پول و اعتبار ارائه خواهد داد. بر این مبنا، قرار است بانک مرکزی در قالب گواهی یورویی با سود مشخص و با فروش به نرخ بازار، نسبت به جمع‌آوری ریال اقدام کند. دراین طرح بانک مرکزی با تکیه بر ذخایر کافی اسکناس یورویی خود متعهد می‌شود، عین مبلغ را در زمان سررسید به یورو پرداخت کند.

۲- اقدام پیشین بانک مرکزی برای کمک به ثبات بیشتر در بازارهای دارایی، یعنی افزایش نرخ سود سپرده بانک‌ها نزد بانک مرکزی از ۱۰ درصد به ۱۲ درصد، که از روز گذشته اجرایی شد، موجب تعدیل سریع نرخ سود بین بانکی شده و از ۱۰٫۵ درصد به ۱۲٫۵ درصد افزایش یافت. بانک مرکزی اقدامات ثبات بخش خود در بازارهای مالی را تداوم خواهد داد. ضمن اینکه چارچوب فعلی سیاست پولی این اجازه را می‌دهد که در زمان مقتضی و تا جایی که نیاز باشد، سیاستگذار از ابزار پولی خود به‌منظور ثبات مالی و رسیدن به هدف تورمی استفاده کند.

ایران می‌نویسد: «... در این مرحله ایران که بیشتر درآمدهای ارزی خود را از نفت به دلار می‌گرفت با دلار ماند و در تجدید نظر دومی که در نرخ اسعار بین‌المللی که ۲۸ اسفند سال

۱۳۵۱ صورت گرفت ریال نسبت به دلار تقویت شد و نرخ دلار به ریال به ۷۶۰۲۵ ریال کاهش یافت. و متعاقباً ریال از دلار جدا شد و به حق برداشت مخصوص (SDR) وابسته شد.» در واقع آنچه در اقتصاد ایران از سال ۱۳۵۱ به بعد رخ داد نه حق برداشت مخصوصی که «طای کافدی» نامیده می‌شود و پول رسمی صندوق بین‌المللی پول (IMF) بود بلکه همان وابستگی به دلار امریکا ادامه یافت. در اصل اگر ریال ایران به حق برداشت مخصوص وابسته می‌شد شاید مشکلات اقتصادی ایران که وابستگی بیش از حد به دلار است رهایی می‌یافت. زیرا اگر حق برداشت مخصوص را که هم‌اکنون بر اساس یک سبد وزنی از واحد پولی ۳ کشور و اتحادیه اروپا شامل دلار امریکا، پوند انگلیس، یو ژاپن و یورو، واحد پول اروپا است در نظر بگیریم می‌تواند به‌عنوان یک ابزار برای تأمین مالی بازرگانی بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد، موردی که به‌نظر می‌آید کشورهایی



صرفاً بر درآمدهای نفتی متکی بود، گفت: به‌دلیل شرایط ظالمانه ناشی از تحریم‌ها، این درآمدها نیز کاهش یافته است. در چنین شرایطی باید تلاش کنیم به رهاکاری مشترک برای افزایش درآمدهای غیرنفتی و بازگشت ارز حاصل از صادرات ببیندیشیم، چراکه این کار موجب تقویت منافع ملی کشور می‌شود. وی یادآور شد: خوشبختانه صادرات کنندگان عمده که همان پتروشیمی‌ها اقدام صنایع فولاد هستند، از خود را به کشور بازگردانده‌اند.

■ همه از تنش‌ها و اتفاقات اثر می‌پذیرند

همچنین در این جلسه، غلامحسین شافعی، رئیس اتاق بازرگانی ایران، با بیان اینکه در شرایط فعلی کشور، همه از تنش‌ها و اتفاقات اثر می‌پذیرند، عنوان کرد: فعالان اقتصادی از مجموعه اتفاقاتی که در شرایط فعلی اقتصادی رخ می‌دهد، آسیب می‌بینند و از اثرات آن مستثنی نیستند و ما نیز نسبت به این قبیل مسائل حساس هستیم. وی با اشاره به اینکه باید با در نظر داشتن مسائل صادرکننده نسبت به تصمیم‌گیری درخصوص آنها اقدام کرد، گفت: در هر قشری، افرادی هستند که از شرایط خاص کشور، سوءاستفاده می‌کنند؛ اما نباید به خاطر عده‌ای قلیل، تصمیماتی اتخاذ کرد که سایرین نیز از آن متضرر شوند.

رئیس اتاق ایران با بیان اینکه مشتاقیم به اقتصاد کشور کمک کنیم، اظهار کرد: ما فعالان اقتصادی نسبت به تنگناهای پیش روی اقتصاد کشور و بانک مرکزی آگاهییم و باید مشکلات بازگشت ارز حاصل از صادرات را به‌صورت مشترک حل کنیم و در این زمینه آماده هرگونه همکاری و همراهی هستیم.

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

مدیریت بازار ارز در شرایط فعلی



سیدکمال سیدعلی معاون ارزی پیشین بانک مرکزی

بانک مرکزی به‌عنوان بانکدار دولت و ناشر اسکناس وظیفه حفظ ارزش پول ملی، کنترل تورم، تنظیم تراز پرداخت‌ها، نظارت بر شبکه بانکی و اعمال سیاست‌های پولی را برعهده دارد. این درحالی است که انجام تمام این وظایف گاه در تضاد و مغایرت با سایر وظایف است. برای مثال حفظ ذخایر ارزی و انجام تعهدات ارزی ایران در خارج از کشور جزو وظایفی است که با هم در تضاد است. درحالی که انجام تعهدات خارجی اهمیت بسیار زیادی دارد و روی ریسک و رتبه اعتباری اقتصاد اثر دارد، این پرسش مطرح می‌شود که میان تزییق ارز در بازار داخل برای مدیریت بازار و اجرای تعهدات خارجی کدام یک اهمیت و راجحیت دارد.

از سالیان دور، بازار ارز همانند سایر بازارها مانند بازار کالا و مسکن نقش کالایی برای حفظ ارزش دارایی‌های مردم پیدا کرده است و بر همین اساس برخی ارز را در سبد سرمایه‌گذاری خود قرار می‌دهند که این روند در شرایط نوسانی بازار افزایش می‌یابد.

این درحالی است که جایگاه بانک مرکزی دراین بخش چندان قوی نیست، چرا که دستگاه‌های دیگری درآن نقش دارند. در تأمین ارز مورد نیاز کشور وزارت نفت از طریق صادرات نفت بخش عمده منابع ارزی کشور را تأمین می‌کند و البته صادرات غیرنفتی نیز بخش دیگری از آن را تأمین می‌کند. در طرف دیگر نیز این وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی هستند که نحوه و میزان مسافرت را تعیین می‌کنند، و وزارتخانه‌هایی مانند صنعت، معدن و تجارت و جهاد کشاورزی که بخشی از نیازهای خود را از طریق واردات تأمین می‌کنند.

در صورتی که بانک مرکزی در اجرای تعهدات مربوط به سامانه نیما و تأمین ارز مورد نیاز واردکنندگان موفق عمل کند، می‌توان بدون تزییق ارز و اصطلاحاً ارزیاشی بازار ارز را مدیریت کرد. اما در سال‌های اخیر محدودیت‌های تحریم و مسائلی مانند افت‌ای فای و اخیراً شیوع کرونا تأثیر منفی بر منابع ارزی کشور داشته است. در چنین شرایطی انجام تمام تعهدات و تأمین ارز برای بانک مرکزی نیز دشوار می‌شود. هم‌اکنون منابع ارزی قابل توجهی در کشورهایی مانند کره‌جنوبی، چین و... داریم که همین محدودیت‌ها امکان ورود این منابع به کشور را دشوار کرده است. البته که نرخ ارز نه در حال کشور بلکه از اختلاف نرخ تورم داخل با کشور خارجی محاسبه و تعیین می‌شود و بنابراین دراین میان مهار نرخ تورم از اهمیت بالایی برخوردار است.

تقاضای دیگری نیز در حوزه وظایف بانک مرکزی وجود دارد. به‌طور معمول زمانی که نرخ تورم افزایش می‌یابد بانک مرکزی از طریق افزایش نرخ سود بانکی زمینه مهار تورم را دست اول و دست دوم.

بهتر است در پایان یک درس آموزنده از حسنعلی مه‌ران را یادآوری کنیم. مه‌ران در بخش مربوط به نظام ارزی ایران و مکاتب فکری اقتصادی ایران در خصوص ارز سه مکتب را بیان می‌کند: مکتب اول که به‌دنبال آن بودند که ارز را باید ارزان کرد که به‌گفته مه‌ران پیروان آن چند نفر از واردکنندگان عمده و بانکدارانی بودند که از بازارهای بین‌المللی قرض کرده بودند و می‌خواستند بدهی خود را از ارزان تری‌پرداخت کنند؛ مکتب دوم، حامیان صنایع بودند که می‌خواستند از ارز گران شود که بیشتر آنها را می‌توان اکنون در صادرکنندگان عمده دید و مکتب سوم، افرادی بودند که می‌گفتند ریال از دلار جدا شود و اجازه داده شود که نرخ ارز نوسان داشته باشد و تابع عرضه و تقاضا باشد. اما خود مه‌ران به چه معتقد بود. او راه عملی را این گونه بیان می‌کند: «با نگاه به گذشته‌ت‌ها راه حل عملی که در شرایط آن روز ایران شاید سیاست بهتری می‌بود، عدم تشکیل بازار از غیربازرگانی و حفظ کنترل ارز بالاخص در بازار سرمایه بود. طرح بازار کردن بازار سرمایه هنوز در کشورهای جهان سوم با بدبینی زیاد روبه‌رو می‌شود. در اواخر دهه ۱۹۹۰ یکی از دلایل اصلی بحران کشورهایی چون کره‌جنوبی، اندونزی و روسیه همین باز کردن غیرمترقبه و تند بدون مطالعه بازار معاملات سرمایه‌ای او بود.»